



### چکیده:

در پی درگذشت دکتر ابراهیم یزدی، مجله چشم انداز ایران یادنامه‌یی را در این خصوص منتشر نموده که در آن مقاله‌یی نیز از دکتر سید علی اصغر غروی مندرج است. وی در این مقاله به بیان برخی از ویژگی‌های زندگی دکتر یزدی و همسرش سورن طلیعه می‌پردازد. اینکه درخانه ایشان در طول سالهای زندگی‌شان به روی همه مراجعان گشوده بوده. ... وقتی تصویر این زن و مرد را از جلو چشمانت می‌گزرائی، گویا همه حوادث بیش از نیم قرن گذشته تاریخ معاصر ایران و جهان را در پیش چشمانت عبور می‌دهی، و آهی می‌کشی پر از اندوه که؛ چگونه ملت ایران را از این سرمایه عظیم معنوی محروم ساختند...

کلیدواژه‌ها: دکتر ابراهیم یزدی، سید علی اصغر غروی، درگذشت، چشم انداز ایران، بهار عربی، تحلیل سیاسی، ایران، جهان.

وَأَجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً (یونس ۸۷)

خانه‌ها را محل رویکرد مردمان قرار دهید

می‌توانم به جد بگویم که همواره به کوچه تورج می‌اندیشیده‌ام. یعنی همه سال‌هایی که دکتر ابراهیم یزدی در خانه کوچه تورج سکونت داشته، من به آن خانه و صاحبان خانه فکر می‌کرده‌ام، زوجی که در هر ساعتی از شبانه‌روز، پزیرای هر زائری بودند، و این پدیده بخش عمده‌یی از ذهن مرا به خود مشغول می‌داشته است. وقتی تصویر این زن و مرد را در جلو چشمانت می‌گزرائی، گویا همه حوادث بیش از نیم قرن گذشته تاریخ معاصر ایران و جهان را در پیش چشمانت عبور می‌دهی، و آهی می‌کشی پر از اندوه که؛ چگونه ملت ایران را از این سرمایه عظیم معنوی محروم ساختند. حَقًّا که چه بی‌انصافی عظیمی کردند. خیلی به فکر فرو می‌روم که آمران و عاملان این داستان، چه سودی برده‌اند جز تحمیل خسارت بر ملک و ملت؟!

در هر سفری که به سوی تهران می‌آمدم، در چند ساعت طی طریق، پیوسته به سرنوشت ملت ایران فکر می‌کرده‌ام، و مخصوصاً تاریخ مشروطه‌خواهی تا به امروز را مرور می‌نموده‌ام. چه قضیه‌یی است که مانع از نزول برکات بر جامعه ایرانی است، و او را لاینقطع از تمام مظاهر نیکو و نعمات بهینه حیات مادی و معنوی بازداشته است؟!

برنامه من، در سفر به تهران، همیشه این بود که اولین روز و اولین بامداد حضور در تهران را به خانه دکتر یزدی بروم و صبحانه را بر سر میز آشپزخانه او، و با حضور همسر او، صرف کنم. غالباً دوستان دیگری هم از یک تا چند نفر، ملحق می‌شدند، و هر کس از یخچال، چیزی برای تکمیل ضروریات صبحانه می‌آورد، و دکتر ابراهیم خود پیشتاز در این امر بود. و از همان آغاز ورود، بحث‌ها و تحلیل‌های همه جانبه شروع می‌شد. پیرامون اوضاع داخل کشور، منطقه و جهان، و همپوشانی این مسائل با یکدیگر.



مباحث دکتر یزدی فقط یک تحلیل صرف نبود، بلکه همه محتوایی و متضمن راه‌حل‌های پسینی بود که پاره‌یی از آنها را فقط در سطوح قدرت و دولت می‌شد مطرح کرد و جزء برنامه‌های راهبردی قلمداد کرد و به پیش برد.

من در اینجا فقط به یک مورد از موشکافی‌های سیاسی او در سطح منطقه اشارتی کوتاه می‌نمایم. در همان آشپزخانه و یکی از روزهایی که جنبش بهار عربی اوج گرفته بود، او ضمن ابراز خوشحالی از ظهور این پدیده، شدیداً هم نگران آینده آن بود. می‌گفت: اگر رهبران جنبش، قبل از هر چیز، به ضرورت حاکمیت اصل آزادی برای همهٔ نحله‌های فکری و سیاسی، به طور برابر، معتقد نباشند، جنبش در میان راه مصادره می‌شود، و به احتمال زیاد در نطفه عقیم می‌ماند، و شاید هم آثار معکوس داشته باشد! یعنی به جای ورود ملت‌های درگیر در قضیه، و ذینفع در مساله، به ساحت‌های آزادی و حاکمیت قانون، زیر سلطهٔ سلطه‌گرانی بدتر از قبل بروند.

او سیر پیشروی جنبش در مصر را مثبت می‌دید، اما برای به نتیجه رسیدن آن، شرایطی را ذکر می‌نمود، و نسبت به تحقق بهار عربی در لیبی تردید داشت. می‌گفت؛ جامعهٔ لیبی قبائلی است، و هیچ یک از عناصر لازم برای تحقق دموکراسی و قانون‌گرایی بین قبائل لیبی شکل نگرفته، و جز اندکی از مردمان دو شهر بزرگ، مثل طرابلس و بن‌غازی، بقیه آگاهی‌های لازم برای تغییر حاکمیت از استبدادی به دموکراسی را ندارند. و طولی هم نکشید که سرتاسر کشور پهناور لیبی، با جمعیتی حدود هشت میلیون نفر، دستخوش جنگ داخلی شد، که هنوز هم از تبعات آن رنج می‌برد. و حتماً مداخلات سلطه‌جویانه و استثمارگرانهٔ دولت سارکوزی در فرانسه را نباید نادیده گرفت. و تجاوزاتی از این دست را هم دکتر ابراهیم پیش‌بینی می‌کرد.

در این مقاطع از گفت و شنود بود که دکتر یزدی گریزی هم به ساختار سیاسی - اجتماعی و دینی خودمان، در روزهای پیروزی انقلاب می‌زد! او معتقد بود وقتی مردمی با مبانی حقوق شهروندی آشنایی نداشته باشند، صاحبان قدرت‌های بزرگ جهانی، که هرگز حاضر نیستند ذره‌یی از منافع خود، به نفع ملت‌های ستم‌دیده و بلاکشیده، چشم‌پوشی کنند، هر یک در دسته و قبیله‌یی نفوذ پیدا می‌کنند، و آنها را در برابر هم قرار می‌دهند، و وضعشان می‌شود مثل افغانستان.

کار دکتر ابراهیم اما فقط تحلیل دادن نبود. او راه حل هم می‌داد. اما همانگونه که گفتم، بسیاری از این راه‌حل‌ها را باید از طریق حاکمیت‌ها اعمال می‌کردی، در مذاکرات دو یا چندجانبه. و اینجا بود که رنجت افزون می‌شد، وقتی می‌دید اکثر قریب به اتفاق پیش‌بینی‌های سیاسی دکتر یزدی درست از آب درمی‌آید. و در این اواخر چه افسوسی می‌خورد از اینکه روابط ایران و عربستان و سایر کشورهای عربی، که می‌توانست از طریق مذاکره، در عالی‌ترین سطوح دیپلماسی باشد، و می‌بایست به همین شیوه، از اتلاف و نابودی اکثر ثروت‌های مادی و انسانی و فرهنگی مسلمانها جلوگیری می‌شد، به صورت گسترده‌ترین دشمنی‌ها در منطقه و حتی جهان درآمده و باعث اضمحلال همه توانمندی‌های جهان اسلام گشته است.

بهار عربی در مصر توفیق نسبی یافت، حسنی مبارک رفت، و مرسى، از وابستگان به اخوان المسلمین، بر سر کار آمد. مخالفانش به زودی تظاهرات علیه او را آغاز کردند. دکتر ابراهیم براین عقیده بود که این تحریکات و تحریکات زائیدهٔ اعمال نفوذ روس‌ها است. آنها به جهت تاریخی، با دینداران، خصوصاً دینداران نوگرا مخالفت راهبردی و اساسی دارند. و به هر شکل که بتوانند آنها را به زانو درمی‌آورند. غربی‌ها هم تا جایی صبر می‌کنند که مطمئن باشند روس‌ها توفیقی بدست نمی‌آورند. ولی به محض اینکه روسها را در چند قدمی پیروزی دیدند، ورود می‌کنند. زیرا سازگاری آنها با غرب بسیار آسان‌تر است تا با جریان روشنفکری، دینی با هویت ملی، در کشورهای اسلامی.

کنفرانس سران کشورهای اسلامی در تهران تشکیل شد، مرسى به تهران آمد، در اجلاس سران سخنرانی

کوتاهی داشت، و دکتر ابراهیم نسبت به محتوای آن نقد جدی داشت، و این روز دیگری بود که بر سر همان میز صبحانه و در همان آشپزخانه، با چند تن دیگر اوضاع منطقه و نتایج اجلاس را به بحث گذاشته بودیم. او می گفت: مرسی فرصت سوزی کرد، و درک شرایط ننمود. او بمانند صاحب قدرتی استبدادی که قدرت خود را بسی مستحکم می بیند سخن گفت، و به همین جهت به جای دعوت همه مسلمانان به وحدت، و یا حداقل همگرایی نسبی برای حل مشکلات خود و منطقه، کلامی تفرقه آمیز بر زبان جاری ساخت.

دکتر ابراهیم بر این باور بود که هنوز بهار عربی استقرار نیافته و مرسی مرتکب خطائی فاحش شده است، و آینده بهار عربی را در معرض خطر قرار داده است.

ایامی دیگر گزشت، شهر قاهره مبدل گشت به شهری آشوب زده، صحت تحلیل های دکتر ابراهیم روشن تر می شد. او از نقش ایران در این قضایا هم سخن گفت که فعلاً بماند تا وقتی دیگر!

شورش ها و تظاهرات خیابانی چپ ها از یک سو، که موافقان حسنی مبارک هم به آنها پیوسته بودند، و اخوانی ها از سوی دیگر، جنبش بهار عربی را با چالش جدی مواجه کرده بود. و در همان روزها دکتر یزدی در پاسخ سؤالی گفت: الآن وقت آن است مرسی کاری را بکند که مهندس بازگان کرد. مرسی اگر الآن استعفاء بدهد، فضاء را برای برگزاری یک انتخابات آزاد باز می کند. و در این مرحله بهار عربی را یک گام به جلو می برد، و از بحران فعلی نجات می دهد. ولی اگر بر ماندن اصرار ورزد، خطر وقوع یک کودتا به حمایت آمریکا و پول عربستان وجود دارد!

مرسی ماند و استعفاء نداد تا هم جنبش اخوان المسلمین را در بدترین شرایط قرار داد، و هم بهار عربی را کاملاً به شکست و ناکامی کشانید.

این فقط یک نمونه بود از نگرش وسیع او در مسائل منطقه. آری! در این آشپزخانه کوچک و بر سر میز کوچک آن و صبحانه های متواضعش، بحث هایی در می گرفت که متأسفانه بعضاً در همان فضاء می ماند، و حتی فرصت درج در جراید داخلی را هم پیدا نمی کرد! از سایر دیدگاه های او، خصوصاً درباره روابط ایران و عربستان و سایر کشورهای عربی، که در حال حاضر بسیار مهم است که مورد توجه حاکمان فعلی قرار گیرد، در مقالی دیگر سخن خواهم گفت.

